



بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشامدید آقایان محترم و خبرگان عالی‌شان امت. و تشکر میکنم از زحمات برادران عزیز، آقایان محترم؛ چه در ضمن این اجلاس جاری، و چه در طول سال در کمیسیونهای مربوط، که آقایان در آنجا حضور دارید و زحماتی که کشیده میشود. و شما را دعا میکنیم. خداوند ان شاء الله از شما قبول کند و توفیق و تسدید بفرماید. از همه‌ی آقایان تشکر میکنیم؛ بخصوص از جناب آقای هاشمی رفسنجانی، برای اینکه در این اجلاس، انتظار خصمانه‌ای را که دشمنان داشتند، خنثی کردند. آنها انتظار داشتند که بین خبرگان امت اختلاف بیفتد؛ رقابتها به صورت رقابت‌های متعارف دنیای مادی در بیاید و مسابقه‌ی در خدمت، تبدیل بشود به رقابت منفی در تصرف مراکز و جایگاه‌ها؛ که این بحمدالله نشد. خب، از جناب آقای هاشمی انتظار هم همین بود؛ با توجه به سابقه‌ی عقل و احساس مسئولیتی که در ایشان همیشه ما مشاهده کردیم. و آنچه که انتخاب هم کردید آقایان! انتخاب بجا و بحق بود. جناب آقای مهدوی شخصیت برجسته و بارزی هستند؛ هم در عالم روحانیت، هم در عالم سیاست، هم در مسائل جاری کشور، در مسائل حوزه و دانشگاه، از اول انقلاب تا امروز. آنچه اتفاق افتاد، ان شاء الله به برکت اخلاص آقایان و اخلاص شماها و عقل و تدبیری که انسان در رفتارها و گفتارها مشاهده میکند، به خیر اسلام و مسلمین خواهد بود؛ انتظار هم همین است.

شرایط امروز کشور، به ملاحظه‌ی مسائل منطقه، شرایط بسیار مهم و حساسی است. مسائل منطقه، مسائلی است که ابعاد آن از متعارف مسائل جاری بکلی بیرون است. آنچه دارد اتفاق می‌افتد، خیلی ابعاد عظیمی دارد. حالا دشمنان، سوءاستفاده‌کنان، فرصت‌طلبان بین‌المللی و مستکبران چه میخواهند و چه خواهند کرد، بحث دیگری است. آنچه اتفاق افتاده، دو شاخصه‌ی بسیار مهم دارد، که این دو شاخصه مورد آرزوی همه‌ی مسلمانان صادق و اندیشه‌های والا در انقلاب اسلامی، در جمهوری اسلامی و در سایر نقاط عالم بوده است. این دو اتفاق، یکی حضور مردمی است، یکی شعار اسلام. این دو چیز، خیلی مهم است.

حضور مردمی معنایش این است که ملتها با تن خودشان، با حضور شخصی خودشان در میدانهای مبارزه حاضر شوند و خطرات را تحمل کنند؛ مثل آن چیزی که در ایران اتفاق افتاد. وقتی این شد، هیچ قدرتی در مقابل این نمیتواند بایستد؛ حالا آمریکا و اینها که سهلند. اگر همه‌ی قدرتهای عالم هم دست به یکی شوند، در مقابل ملتی که با همه‌ی وجود وارد میدان شده است، نمیتوانند مقاومت کنند، ایستادگی کنند. البته میزنند، میکشند، خونریزی میکنند، اما مغلوب میشوند. همان طور که امام در آن سالها فرمودند، خون بر شمشیر فائق خواهد آمد، پیروز خواهد شد. این اتفاق افتاده است. مردم با جسم خودشان، با وجود خودشان وارد میدان شده‌اند؛ نماینده نفرستادند، به حرف اکتفاء نکردند؛ آن هم نه در یک کشور، در چندین کشور؛ که زمینه‌ی آن در کشورهای دیگر هم وجود دارد. این يك نکته است که خیلی مهم است. جز دست قدرت الهی، کسی قادر نیست يك چنین وضعی را به وجود بیاورد. زمینه‌ها فراهم میشود، افراد نقش ایفاء میکنند - در اینها شکی نیست - اما این دست قدرت خداوند است که مالک دلهاست؛ که «قلب المرء بین اصبعی الرحمن». خدای متعال است که دلها را عازم میکند، جازم میکند، اراده‌ها را بسیج میکند و این اتفاق می‌افتد. در این حوادث، دست قدرت خداوند محسوس است. چون دست قدرت الهی هست، بنابراین پیروزی هم در آن قطعی است.

نکته‌ی دوم در اینها، مسئله‌ی شعار اسلام است. خب، در این کشورها و در دیگر کشورهای اسلامی، مردم، مردم مسلمانی هستند، جزو امت اسلامند. حتی در آنجاهائی هم که مظاهر اسلامی محدود بوده است، همراه با فشار بوده است، مردم مؤمنند، مسلمند و اسلام ریشه دارد؛ این هم از خصوصیات اسلام است. در کشورهائی که مارکسیستها هفتاد سال با همه‌ی توان سعی کرده بودند اسلام زدائی کنند، بمجرد اینکه رژیم کمونیستی شوروی ساقط شد، مردم بیرون آمدند؛ جوانهائی که دوره‌ی اسلام را اصلاً درک هم نکرده بودند، شعار اسلام دادند. این، يك خصوصیت مربوط



به عمق اسلام است در دلها.

در اینجاها هم همین جور است. البته انگیزه‌هایی وجود داشت، الان هم وجود دارد - انگیزه‌های لیبرالیستی، شاید به نحو ضعیف‌تری انگیزه‌های سوسیالیستی، قومیت‌گرایی یا امثال اینها - لیکن بدنه‌ی مردم، مسلمانند و شعارها اسلامی است؛ بخصوص در کشوری مثل مصر که آنجا اسلام خیلی عریق است، عمیق است، قرآن آنجا حاکم است، محبت اهل بیت آنجا حاکم است.

بنابراین، این حادثه، حادثه‌ی عجیبی است که دارد اتفاق می‌افتد. هنوز هم این حادثه در اول راه است. خب، ما حالا به عنوان جمهوری اسلامی، و ما تعداد موجود در اینجا به عنوان مسئولانی از جمهوری اسلامی، و همچنین دیگر مسئولان، وظائفی داریم؛ بایستی به این وظائف توجه کنیم و از این مقطع زمانی آسان نگذریم. یکی از چیزهایی که بلاشک در این حوادث مؤثر بود، الگوسازی و گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی بود. انقلاب اسلامی برای مسلمانها الگو شد؛ اولاً با پیدایش خود، بعد با تشکیل موفق نظام جمهوری اسلامی که توانست یک نظامی را با یک قانون اساسی کامل ارائه کند و آن را به کرسی بنشاند و تحقق ببخشد، و بعد ماندگاری این نظام در طول سی و دو سال که نتوانند به او ضربه بزنند، و بعد استحکام و تقویت هرچه بیشتر این نظام - که نظام جمهوری اسلامی امروز از لحاظ عمق و ریشه، قابل مقایسه‌ی با ده سال پیش، بیست سال پیش و سی سال پیش نیست - و بعد پیشرفتهای گوناگون در این نظام، که پیشرفت علمی، پیشرفت فناوری و صنعتی، پیشرفتهای اجتماعی گوناگون، پخته شدن افکار، پدید آمدن افکار نو، حرکت عظیم علمی در کشور و فعالیتهای گوناگون است. عمرانهایی که در این کشور شده است، در مواردی کشور را به درجه‌ی چند کشور معدود دنیا درآورده است. اینها همه حوادثی است که اتفاق افتاده است. اینها برای ملت‌های مسلمان چیزهای محسوسی است؛ اینها را می‌بینند، مشاهده میکنند. این انقلاب آمد، نظام درست کرد، این نظام باقی ماند، روزبه‌روز قوی‌تر شد، روزبه‌روز هم پیشرفته‌تر شد؛ این میشود الگو. این الگوسازی یک گفتمانی را به وجود می‌آورد که آن، گفتمان هویت اسلامی و عزت اسلامی است. امروز در بین ملت‌های دنیا، احساس هویت اسلامی، قابل مقایسه‌ی با سی سال قبل نیست؛ احساس عزت اسلامی و مطالبه‌ی این عزت، امروز قابل مقایسه‌ی با گذشته نیست. این، اتفاق افتاده است.

خب، طبعاً نتایجش این است که جبهه‌ی مخالف و جبهه‌ی مقابل شکست می‌خورد. مستبدین فاسد و وابسته‌ای در یک جاهائی در رأس کار بودند. خدای متعال وعده کرده است: «سیصیب الذین اجرموا صغار عند الله و عذاب شدید بما كانوا یمکرون». (1) مکرشان فایده‌ای برای آنها ندارد، بلکه به خاطر همین مکر، خدای متعال ذلت و خاک‌نشین را بر اینها تحمیل میکند. این اتفاق افتاده است، این شده است، این جلوی چشم ماست. این هم یکی دیگر از آن مواردی است که ما آیات الهی قرآن را در مقابل چشم خودمان تجربه‌اش را مشاهده کردیم؛ که این مال زمان ماست، این خیلی باارزش است. آنچه را که خدای متعال در قرآن وعده داده است، ما داریم اینها را جلوی چشم خودمان، در تجربیات خودمان مشاهده میکنیم.

بخش مهمی از تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، ناظر به همین جهت است؛ ناظر به این است که الگوسازی نشود؛ در چشم ملت‌های مسلمان، جمهوری اسلامی به صورت یک الگوی موفق درنیاید. به نظر من این نکته‌ی بسیار مهمی است که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم. سعی دشمنان این است که جمهوری اسلامی به شکل یک الگوی موفق در چشم ملت‌ها جلوه نکند؛ چون وقتی الگو پیدا شد، مردم به سمت آن حرکت میکنند؛ وقتی توفیق این الگو دانسته شد، مردم تشویق میشوند.

یکی از نویسنده‌های مصری در پنجاه سال قبل، شصت سال قبل در یک کتابی نوشته است که اگر ما بتوانیم یک نقطه‌ی از دنیا را با یک حکومت اسلامی اداره کنیم، از هزاران کتاب و تبلیغ برای پیشرفت اسلام این مؤثرتر است. راست می‌گوید. با اینکه الگوی ما از لحاظ انطباق با اسلام، آنجور که ما میخواهیم، نیست - خب، ما متأسفانه با شکل مطلوب تحقق اسلام خیلی فاصله داریم - اما همان اندازه‌ای که توانستیم، توفیق پیدا کردیم، اسلام را وارد جامعه و زندگی‌مان کردیم، آثارش را داریم مشاهده میکنیم، عزتش را می‌بینیم، قدرتش را می‌بینیم، پیشرفت‌ش را می‌بینیم، استقلالش را می‌بینیم؛ این را مردم دارند مشاهده میکنند. پس آنها میخواهند این الگوسازی نشود؛ لذا است که سعی



میکنند الگو را در چشم مخاطبان خراب کنند. یکی از کارهایی که از اول انقلاب تا حالا انجام گرفته، این است. اگر وضعی داریم، آن ضعف را در چشمها بزرگ میکنند؛ اگر وضعی نداریم، آن را بدروغ به ما نسبت میدهند؛ این را باید توجه داشته باشیم. یکی از کارهای اساسی دشمن در تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، ناظر به این معناست و همهی تلاش هم برای این است.

خب، در تضعیف این الگو، دو عامل به یکدیگر کمک میکنند: يك عامل، عامل درونی است؛ نقصهایی که وجود دارد. کوتاهی‌های ما، کم‌کاری‌های ما، تنبلی‌های ما، مبتلا شدن ما به چیزهایی که مضر به حرکت است - مثل اختلافها، مثل کارهای خلاف گوناگون، میل به دنیا پیدا کردنها، به سمت دنیا کشیده شدنها، قدرت‌طلبی‌ها، بی‌سیاستی‌ها و از این قبیل چیزها - اینها چیزهایی است که ناشی از وجود ماست، ما داریم این نقصها را ایجاد میکنیم. این عامل درونی، به این الگو صدمه میزند.

عامل دیگر، مربوط به دشمن است؛ که همینی که ما داریم، این را صد برابر بزرگ میکنند و به چشم دیگران میکشاند؛ عیبهایی هم که نداریم، به ما نسبت میدهند. خب، حالا ما چه کار کنیم؟ اول باید به آن چیزهای درونی خودمان پردازیم. اول بایستی به آن چیزی که تقصیر خود ماست، کوتاهی خود ماست، پردازیم. اگر این را درست کردیم، خدای متعال آن دومی را هم کفای خواهد کرد؛ یعنی خدای متعال تبلیغ دشمن را هم خنثی خواهد کرد. در این «مناجات الشاکین» که منسوب به حضرت سجاد (سلام الله علیه) است، اولین شکایت این بزرگوار، شکایت از خودش است: «الهی ای که اشکو نفساً بالسوء امارة و الی الخطیئة مبادرة». بعد که مبالغی از خود شکایت میکند، آن وقت عرض میکند: «الهی اشکو الیک عدواً یضلنی». اول شکایت از خودمان، بعد شکایت از دشمن. باید این را مراقبت کنید.

خب، حالا کی مراقبت کند؟ چگونه مراقبت کنیم؟ جوابش این است که در درجه‌ی اول، مسئولان و زبندگان و برجستگان و روشنفکران و دانشمندان و علما و کسانی که محیط تأثیر دارند، از رفتارهای خودشان مراقبت کنند. همان طور که عرض کردیم، قدرت‌طلبی است، دنیاطلبی است، دنبال اختلاف رفتن است، جنجال درست کردن است، خلاف اخلاق حرکت کردن است؛ که من در اینجا میخواهم روی این مسئله‌ی خلاف اخلاق حرکت کردن تکیه کنم. فضای اهانت و هتک حرمت در جامعه، یکی از آن چیزهایی است که اسلام مانع از آن است؛ نباید این اتفاق بیفتد. فضای هتک حرمت، هم خلاف شرع است، هم خلاف اخلاق است، هم خلاف عقل سیاسی است. انتقاد، مخالفت، بیان عقاید، با جرأت، هیچ اشکالی ندارد؛ اما دور از هتک حرمتها و اهانتها و فحاشی و دشنام و این چیزها. همه هم در این زمینه مسئولند. این کار علاوه بر اینکه فضا را آشفته میکند و اعصاب آرام جامعه را به هم میریزد - که امروز احتیاج به این آرامش هست - خدای متعال را هم از ما خشمگین میکند. من میخواهم این پیامی باشد به همهی آن کسانی که یا حرف میزنند، یا مینویسند؛ چه در مطبوعات، چه در وبلاگها. همهی اینها بدانند، کاری که میکنند، کار درستی نیست. مخالفت کردن، استدلال کردن، يك فکر سیاسی غلط یا يك فکر دینی غلط را محکوم کردن، يك حرف است، مبتلا شدن به این امر خلاف اخلاق و خلاف شرع و خلاف عقل سیاسی، يك حرف دیگر است؛ ما این دومی را به طور کامل و قاطع نفی میکنیم؛ نباید این کار انجام بگیرد. متأسفانه بعضی این کار را میکنند. من بخصوص به جوانها توصیه میکنم. بعضی از این جوانها بلاشک مردمان بااخلاص و مؤمن و خوبی هم هستند، اما خیال میکنند این وظیفه است؛ نه، من عرض میکنم این خلاف وظیفه است، عکس این وظیفه است.

البته از نفوذها، از اغواهای شیطانی دشمنان، از دخالتهای دشمنان هم نباید غفلت کرد. همان طور که امام بارها میفرمودند، گاهی اینجور افراد وارد اجتماعات پرشور و مؤمن و مخلص میشوند و آنها را به يك سمتی و يك حرکتی میکشاند؛ از این هم نباید غفلت کرد؛ هم غفلتهای ناشی از احساساتی شدن، هم ناشی از ندیدن دستهای دشمن. بنابراین من بخصوص از جوانها میخواهم که نگذارند این فضای غیبت و تهمت و فحاشی و هتاک و شکستن حرمتها ادامه پیدا کند. وقتی که ادامه پیدا کرد، طبعاً همان طور سرایت هم میکند - مثل بیماری مسری - ناگهان می‌بینید مثلاً در نمازهای جمعه که محل خشوع و ذکر و توجه است، يك چنین چیزهایی گاهی احیاناً دیده میشود، که غلط اندر غلط است. انسان اگر چنانچه آن خطیب نماز جمعه را قبول ندارد، خب، اصلاً پای خطبه‌اش نمی‌نشیند،



به او اقتداء هم نمیکند، می‌آید بیرون. یا حتی گاهی اوقات در درسها، در محیطهای علمی و درسی از این چیزها دیده میشود؛ که اینها غلط است، مضر است و مخالف مصلحت انقلاب است؛ اینها همان ضربه زدن و شکاف ایجاد کردن و ترک دار کردن هیئت عظیم و شفاف و باشکوه نظام اسلامی است که دارد با قدرت حرکت میکند و پیش میرود.

من به بزرگان هم نصیحتی بکنم. این نصیحت به جوانها بود، پیرها هم محتاج نصیحتند؛ آنها هم باید توجه کنند. مواضع درست گرفتن، حرف درست زدن، تحت تأثیر خبرهای دروغ قرار نگرفتن، این هم وظیفه است. هزاران نفر در نظام اسلامی دارند محض رضای خدا زحمت میکشند و تلاش میکنند و شب و روز خودشان را میکشند، برای اینکه طبق حرکت اسلامی یک کاری انجام بگیرد، نظام اداره شود، وظائف بسیار سنگین انجام بگیرد؛ اما انسان یک خبر دروغی را بشنود، بنا کند همه‌ی اینها را زیر سؤال بردن - مسئولین دولتی را، دیگران را، دیگران را - این هم مصلحت نیست، این هم خلاف است. هم جوانها باید مراقبت کنند، هم پیرها باید مراقبت کنند. ما، هم در جوانی مان احتیاج به نصیحت داریم، هم حالا که پیر شدیم، احتیاج به نصیحت داریم.

امیدواریم خداوند متعال ان شاء الله به همه‌ی ما کمک کند تا بتوانیم این الگوی موفق و باشکوه و بسیار با عظمت را - که نظام جمهوری اسلامی است - حفظ کنیم و این را ان شاء الله همین طور به نسلهای آینده بسپاریم و از این جهت پیش خدای متعال سرافراز باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

(1) انعام: 124